

■ چرا پژوهشگران استناد می‌کنند؟
پیمایش نظرات اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

اورانوس تاج‌الدینی | علی سادات موسوی | فخرالسادات هاشمی نسب

چکیده

هدف: دانستن اینکه اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان چه وقت در تألیفات، گزارش‌های پژوهشی و تدریس روش تحقیق به آثار دیگران استناد می‌کنند.

روش/ رویکرد پژوهش: دیدگاه همه اعضای هیأت علمی دانشگاه با استفاده از سیاهه واری بر گرفته از مقاله گارفیلد (۱۹۹۶) بررسی شده است.

یافته‌ها: ارائه منابع برای مطالعه بیشتر، اثبات ادعاها، اعتبار بخشی به داده‌ها و قسمتی از واقعیت - اثبات‌های فیزیکی و غیره، روش‌شناسی، اثبات روایی ابزارهای مورد مطالعه، و غیره از مهم‌ترین دلایل استناد ارزیابی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها

ارتباطات علمی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، رفتار استنادی، اعضای هیأت علمی، زمان استناد

چرا پژوهشگران استناد می‌کنند؟ پیمایش نظرات اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

اورانوس تاج‌الدینی^۱ | علی سادات موسوی^۲ | فخرالسادات هاشمی نسب^۳

دریافت: ۱۳۹۱/۰۱/۲۲ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۴/۱۲

مقدمه

استناد عبارت از "یادداشت ارجاعی به اثری است که از آن عبارتی نقل شده است یا ارجاعی به یک اثر یا یک منبع موثق به منظور اثبات صحت مطلب یا یک نظر است" (سلطانی و راستین، ۱۳۷۹، ص ۱۴). استناد یکی از عناصر شاخص در نگارش علمی است و نقش بارزی در تولید و نشر اطلاعات دارد. استناد از اصول اساسی تألیف پژوهشی از مهارت‌های ارتباط علمی است، و اثری در جامعه علمی با اقبال روبه‌رو می‌شود که در رعایت این اصل، دقت و تلاش لازم را داشته و مطالب استنادشده استوار، گویا و صریح باشند. پیشینه استناد یا اسناد را باید در قرون اولیه قمری و در علم‌الحديث جستجو کرد (حری، ۱۳۷۶). استناد به مآخذ مورد استفاده، ابزاری برای رعایت حقوق معنوی افراد است و این رعایت حقوق، به شکل پانویس و یا فهرست مآخذ انجام می‌شود (حقیقی، ۱۳۸۱). مطالب یک نوشته علمی را نمی‌توان فقط به اتکای حافظه بیان کرد. این امر که ناشی از ضعف‌ها و محدودیت‌های قوای ذهنی انسان است و همچنین لزوم اثبات مستدل مطالب ارائه‌شده ایجاب می‌کند که مستندات مطالب به روشنی ارائه شوند تا با احراز اطمینان از درستی آنها اعتبار هر نوشته تضمین گردد و بتوان به یافته‌های آن اعتماد کرد. مهرداد (۱۳۸۶) معتقد است استناد و بررسی پیشینه پژوهش نشان‌دهنده کیفیت پژوهش، عدم سرقت ادبی، و مطالعه متون پیشین به میزان کافی است. گارفیلد^۴ نیز معتقد است که "تقل قول از نویسندگان دیگر و استناد دادن،

۱. عضو هیأت علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول)
tajedini.o@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
a.moosavi@gmail.com
۳. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی
f.hasheminasab@gmail.com
4. Garfield

امروزه نه تنها کاری حقیر بلکه کاری بسیار عالمانه است" (گارفیلد، ۱۳۷۶، ص ۱۴). اخلاق علمی در پژوهش، همواره استناد به نوشته‌های مورد استفاده در تألیف و پژوهش را ضروری ساخته است.

به قول حری (۱۳۷۶) "پژوهشگران حوزه‌های علمی، گره‌های شبکه جهانی علم به‌شمار می‌آیند که هر یک موضوع و جایگاه ویژه‌ای را در این شبکه به خود اختصاص می‌دهند. تعداد پیوندهایی که هر پژوهشگر با دیگر پژوهشگران آن شبکه برقرار می‌کند یا دیگران با او ایجاد می‌کنند نشان‌دهنده میزان اتصال او به شبکه جهانی علم و مشارکت در علم جهانی است. این پیوند امروزه از طریق استفاده از آثار مکتوب دیگران در هر اثر علمی یا همان استنادها ارزیابی می‌شود.

بدیهی است هیچ مقاله‌ای به تنهایی وجود ندارد، بلکه هر مقاله ساخته و پرداخته متون پیشین آن موضوع است (عصاره، ۱۳۷۷)؛ یعنی یک مقاله علمی زمانی معتبر است که به آثار و متون معتبر آن موضوع استناد کرده باشد. وجود بیش از ۳۰ روش مختلف برای استناددهی و فهرست‌مآخذ نیز گویای اهمیتی است که تاکنون به این امر اختصاص یافته است. اما یک پرسش همواره برای نویسندگان مقاله‌ها و گزارش‌های پژوهشی، به‌ویژه دانشجویان و نویسندگان تازه‌کار مطرح بوده و آن این است که اصولاً "چه موقع" باید به آثار دیگران استناد کرد.

گارفیلد (۱۹۹۶) ۱۵ دلیل را برای استناد کردن ذکر کرده است و پیشنهاد می‌کند دانشمندان و مؤلفان نوشته‌های خود را بررسی کنند و ببینند که کدام یک از این ۱۵ دلیل را در نوشته‌های خود در نظر داشته‌اند. وی می‌گوید: "هر چند در دستنامه انجمن زبان‌های مدرن و دستنامه‌های دیگر توضیحات دقیق بسیاری در مورد "چگونگی" استناد کردن وجود دارد، اما دستورالعمل روشنی برای اینکه "چه موقع" به متنی استناد کنیم دیده نمی‌شود. بیشتر نشریه‌ها دستورالعمل‌های لازم را برای مؤلفان تهیه کرده‌اند، اما در مورد زمان استناد کردن توضیحی نداده‌اند و هیچ دستورالعمل قاطعی در این مورد وجود ندارد" (گارفیلد ۱۹۹۶، ص ۴۲۱).

به همین دلیل، پژوهش حاضر بر آن است تا مهم‌ترین دلایل استناد اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان را بررسی نماید و ببیند که آیا رابطه معنی‌داری بین جنسیت، مدرک تحصیلی، مرتبه علمی، و سوابق آموزشی با دلایل استناد وجود دارد یا خیر.

البته در این زمینه قبلاً پژوهش‌هایی نیز انجام شده است. به‌طور مثال، پشوتنی‌زاده و کوکی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی رفتار استنادی اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید چمران" به مطالعه دلایل استناد اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید چمران در نوشته‌هایشان پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که ارائه منابع اطلاعاتی بیشتر برای مطالعه، معرفی روش‌شناسی، ابزار مورد استفاده، شناساندن انتشاراتی که برای اولین بار ایده یا مفهومی

در آنها مورد بحث قرار گرفته است و اثبات ادعاها از مهم‌ترین دلایل استناد در متون و تألیفات هستند

پریخ و فتاحی (۱۳۸۴) دلایل متفاوتی را برای نوشتن پیشینه و استفاده از آثار دیگران بیان کرده‌اند. از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- شناسایی دیدگاه‌ها، نکته‌ها و یافته‌های متضاد پژوهش‌های قبلی
- مشخص کردن چشم‌انداز پژوهش در دست انجام
- شناسایی روش‌های پژوهشی که می‌تواند برای پژوهش در دست انجام مفید و مرتبط باشد.

• استفاده از دیگر متون در تفسیر یافته‌ها

• بیان نظریه‌ها، فرضیه‌ها و مباحث عمده در زمینه موضوع مورد پژوهش

دیانی (۱۳۸۲) نیز دلایل استفاده پژوهشگران از منابع متفاوت در قسمت پیشینه و یا دیگر قسمت‌های پژوهش را موارد زیر دانسته است:

- آگاهی پژوهشگر از وضعیت فعلی دانش رشته مورد نظر
- آشنایی با مفاهیم و ابزار
- برقرار کردن رابطه منطقی و تاریخی بین پژوهش پژوهشگر و گروه مشابهی از پژوهش‌های قبلی

- وجود پیشینه به‌عنوان ضرورتی اجتماعی برای پذیرش پژوهش توسط جامعه علمی
- اطمینان از پرداختن به کاری جدید
- گرفتن ایده‌ای نو

• ایجاد پشتوانه مثبت یا منفی برای مفروضات، یافته‌ها و روش‌های پژوهش

همچنین راموس و ملو^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی با روش تحلیل استنادی دریافتند که رفتار استنادی پژوهشگران در راستای دو سناریو شکل می‌گیرد: ۱) نویسندگان استنادکننده متون اصیل علمی را می‌خوانند و به‌صورت ویژه به آنها استناد می‌کنند؛ ۲) کارهای استنادشده در سطح وسیعی توسط افرادی که به آن استناد کرده‌اند خوانده نمی‌شوند. بنابراین، آنها دریافتند که اهمیت دستیابی به متون مرجع در مطالعات فردی اختیاری دارای عناصر مهمی است که کمتر مربوط به پژوهش‌ها و مطالعات بازتولید شده است.

سانگوال^۲ (۲۰۱۱) در پژوهشی رفتار استنادی را در مقالات مختلف با نویسندگان انفرادی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. وی نتیجه‌گیری کرد که نویسندگان مختلف در مورد مقالاتی با دوره استنادی ۱۵ سال و حتی ۶-۸ سال رفتار استنادی متفاوتی نشان می‌دهند.

هاردوود و پتریک^۳ در پژوهشی که در سال ۲۰۱۱ به انجام رساندند، عملکرد رفتار

1. Ramos & Melo
2. Sangwal
3. Harwood & Petric

استنادی گروهی از دانشجویان را مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش، براساس روش مصاحبه- پایه رفتار استنادی نوشتاری گروهی از دانشجویان دوزبانه مدیریت بازرگانی را بررسی کرده و با الهام از تحقیقات گافمن به این نتیجه رسیدند که عملکرد استنادی این افراد تا حد زیادی به شیوه و عملکرد زندگی شان بازمی‌گردد و هر روز زندگی بخشی از عملکرد علمی و استنادی را تشکیل می‌دهد (هاردوود و پتریک، ۲۰۱۱).

شارنهرست و تلوال^۱ (۲۰۰۵) در مقاله "شبکه‌های استنادی و فرایوندی" چند عامل مستقیم یا غیرمستقیم شناخته‌شده مؤثر بر استناد را معرفی می‌کنند که عبارتند از:

• پژوهش‌های روش‌شناختی و مقاله‌های مروری که معمولاً زیاد مورد استفاده قرار می‌گیرند.

• آثاری که مفهوم یا پنداری را برای نخستین بار بیان می‌کنند.

• رد کردن ادعاهای دیگران.

• نویسندگانی که متعلق به یک کشور هستند، به یک زبان می‌نویسند و یا در یک محل مشغول به کار هستند، معمولاً بیشتر به یکدیگر استناد می‌کنند. این پژوهشگران کمبود پژوهش در زمینه دلایل و انگیزه‌های استناد را سبب ایجاد بحث‌ها و اختلاف‌نظرها بین صاحب‌نظران می‌دانند.

روش‌شناسی و جامعه آماری

در این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شد. ابزار گردآوری سیاهه واری است که در دو قسمت اطلاعات فردی و ماده‌ها براساس مشخصات جمعیت‌شناسی و ماده‌های سیاهه واری گارفیلد (۱۹۹۶) تنظیم شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از آمار توصیفی همچون میانگین، انحراف استاندارد و درصد فراوانی و آمار استنباطی شامل آزمون تی و آزمون آنووا استفاده شده است.

برای تعیین روایی صوری و روایی محتوایی سیاهه واری، از ۴ نفر از استادان کتابداری با استفاده از یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (خیلی کم تا خیلی زیاد) نظرخواهی شد.

میانگین و انحراف استاندارد پاسخ‌های داده شده در مورد هریک از ماده‌ها، در جدول

۱ آمده است.

1. Scharnhorst & Thelwall

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی نظر استادان در مورد روایی صوری و محتوایی ماده‌های سیاهه واریسی

ردیف	ماده‌ها	میانگین روایی صوری	انحراف استاندارد روایی صوری	میانگین روایی محتوایی	انحراف استاندارد روایی محتوایی
۱	ذکر نام و تکریم پیشکسوتان	۳/۴	۱/۶	۳	۱/۶
۲	اعتباربخشی به اثر مربوط (تکریم همکاران)	۳/۷۵	۱/۲	۳/۷۵	۱/۶
۳	معرفی روش شناسی، ابزار و ...	۳/۵	۱/۷	۳/۳	۱/۵
۴	ارائه منابع اطلاعاتی بیشتر برای مطالعه	۴	۱/۴	۴/۷۵	۰/۵
۵	تصحیح نوشته خودتان	۳/۶	۱/۴	۳/۸	۱/۳
۶	بیان نوشته دیگران به منظور تصحیح آن	۳	۱/۸	۲/۵	۱/۹
۷	نقد اثر قبلی	۳/۴	۱/۸	۳/۸	۱
۸	اثبات ادعاها	۴	۰/۷	۴/۴	۰/۵
۹	هشدار به پژوهشگران، نسبت به اثری که در شرف انتشار است (که آنان نیز به‌هنگام استفاده از این اثر، استناد بدهند).	۴/۲	۰/۸	۴/۶	۰/۵
۱۰	شناساندن آثاری که به‌طور نامناسبی تمایز و توزیع شده یا به آنها استناد نشده است	۲/۶	۱/۵	۳	۱/۹
۱۱	اعتباربخشی به داده‌ها و قسمتی از واقعیت - اثبات‌های فیزیکی و ...	۴	۱/۲	۳/۸	۱/۳
۱۲	شناساندن انتشاراتی که برای اولین بار ایده یا مفهومی در آنها مورد بحث قرار گرفته است.	۳/۶	۱/۶	۳	۱/۸
۱۳	شناساندن اثری که برای اولین بار معرف مفهومی مبین نام عرضه‌کننده آن است (مانند بیماری هاجکینز، قانون پارتو، واکنش فریدل - کرافتس و ...).	۳/۴	۱/۸	۳/۴	۱/۵
۱۴	انکار اثر یا عقاید دیگران (ادعاها) انکاری).	۳	۱/۸	۳	۱/۵
۱۵	بررسی دعاوی حق تقدم دیگران	۳/۲	۱/۶	۳/۶	۰/۹۵

با توجه به میانگین و انحراف استاندارد مقادیر حاصل از اظهار نظر استادان می‌توان نتیجه گرفت مفهوم بودن و مرتبط بودن ماده‌های این سیاهه واریسی به غیر از ماده‌های ۶ و ۱۰، متوسط یا بالاتر از آن ارزیابی شده‌اند. در مورد دو ماده اخیر، تغییرات لازم اعمال در نتیجه سیاهه واریسی از روایی صوری و محتوایی برخوردار شد. برای انتخاب جامعه آماری، براساس اطلاعات کسب شده از بانک اطلاعاتی دانشگاه

شهید باهنر کرمان، تعداد اعضای هیأت علمی ۹ دانشکده مستقر در کرمان، ۵۳۲ نفر بود که براساس جدول کرجسی - مورگان، تعداد نمونه این پژوهش ۳۴۰ نفر محاسبه شد. به منظور اطمینان از اینکه افراد نمونه پژوهش به میزان قابل قبولی با پژوهش و تألیف آشنایی داشته باشند. با استفاده از بانک اطلاعات دانشگاه شهید باهنر کرمان، اسامی اعضای هیأت علمی هر دانشکده همراه با تعداد کارهای پژوهشی هر فرد (اعم از طرح پژوهشی، مقاله، کتاب و...) مشخص و سیاهه‌ای از اسامی افراد براساس کارهای پژوهشی، به ترتیب از زیاد به کم، تهیه شد. سپس براساس نسبت جمعیت اعضای هیأت علمی، هر دانشکده به جمعیت کل اعضای هیأت علمی دانشگاه، تعداد افراد نمونه از هر دانشکده تعیین شد (جدول ۲).

جدول ۲. تعداد افراد نمونه از هر دانشکده

ردیف	دانشکده	تعداد اعضای هیأت علمی هر دانشکده	تعداد افراد نمونه
۱	ادبیات و علوم انسانی	۷۰	۵۲
۲	کشاورزی	۴۴	۲۶
۳	علوم ریاضی و کامپیوتر	۵۴	۳۹
۴	فنی و مهندسی	۵۰	۴۱
۵	علوم پایه	۷۵	۵۹
۶	دامپرشی	۵۷	۴۵
۷	تربیت بدنی و علوم ورزشی	۳۹	۲۷
۸	هنر و معماری	۲۰	۱۷
۹	مدیریت و اقتصاد	۴۷	۳۳
	جمع	۴۵۶	۳۴۰

یافته‌ها

به لحاظ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشخص شد که ۱۱۰ نفر (۳۳ درصد) زن و ۲۳۰ نفر (۷۰ درصد) مرد بوده‌اند.

همچنین ۸۵/۷ درصد از اعضای هیأت علمی دارای مدرک دکتری و ۱۴/۳ درصد کارشناسی ارشد بوده‌اند. مرتبه علمی بیشتر پاسخگویان (۴۳/۷ درصد)، استادیار و کمترین تعداد (۸/۹ درصد) مربوط به مرتبه استادی است. سابقه آموزشی ۴۵/۳ درصد پاسخگویان (بیشترین تعداد) مربوط به رده‌های ۱۱-۲۱ سال و ۱۳/۶ درصد (کمترین درصد) مربوط به سابقه آموزشی ۲۲-۳۳ سال بوده است (جدول ۳).

جدول ۳. سابقه آموزشی پاسخگویان

درصد فراوانی	فراوانی	سابقه کار
۴۱/۱	۱۳۰	۱۰-۱ سال سابقه کار
۴۵/۳	۱۵۳	۲۱-۱۱ سال سابقه کار
۱۳/۶	۴۷	۲۲-۳۳ سال سابقه کار
۱۰۰/۰	۳۴۰	جمع کل

از نظر میزان تولیدات علمی، جدول ۴، میانگین تعداد انتشارات اعضای هیأت علمی هر دانشکده را نشان می‌دهد.

جدول ۴. درصد فراوانی آثار علمی پاسخگویان در هر دانشکده

ردیف	دانشکده	مقاله	کتاب
۱	ادبیات و علوم انسانی	۲۲/۸	۵/۶
۲	کشاورزی	۹/۳۱	۱/۳
۳	ریاضی و علوم کامپیوتر	۳۱/۳	۴/۵
۴	فنی و مهندسی	۱۱/۳	۱/۱
۵	تربیت بدنی و علوم ورزشی	۳۶/۱۷	۴/۲۳
۶	دامپزشکی	۲۳/۸	۱/۸
۷	علوم پایه	۴۲/۲۳	۱/۶۷
۸	هنر و معماری	۱۸/۳۳	۱
۹	اقتصاد و مدیریت	۳۶/۳۳	۳

همان‌طور که اشاره شد، با استفاده از "۱۵ عامل گارفیلد در زمان استناد" سیاهه واریسی براساس طیف ۵ تایی لیکرت تنظیم و از اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید چمران نظرخواهی شد. جدول زیر، درصد فراوانی دو گزینه "کم" و "خیلی کم" و گزینه‌های "زیاد" و "خیلی زیاد" را روی هم‌رفته به ترتیب ماده‌های مورد بررسی نشان می‌دهد.

جدول ۵. درصد فراوانی دلایل استناد براساس طیف لیکرت

ردیف	ماده‌ها	درصد فراوانی خیلی کم و کم	درصد فراوانی خیلی زیاد و زیاد
۱	ارائه منابع اطلاعاتی بیشتر برای مطالعه	۱۰/۷	۷۸/۹
۲	اثبات ادعاها	۷	۷۸/۱
۳	اعتباربخشی به داده‌ها و قسمتی از واقعیت- اثبات‌های فیزیکی و ...	۹/۴	۷۷/۶
۴	معرفی روش‌شناسی، ابزار و ...	۱۶/۸	۷۴/۲
۵	شناساندن انتشاراتی که برای اولین بار ایده یا مفهومی در آنها مورد بحث قرار گرفته است	۱۱/۳	۶۵/۸
۶	ذکر نام و تکریم پیشکسوتان	۱۴	۶۲/۶
۷	اعتباربخشی به اثر مربوط (تکریم همکاران)	۹/۶	۶۰/۹
۸	تصحیح نوشته خود	۱۷/۲	۵۸/۴
۹	بررسی دعاوی حق تقدم دیگران	۱۸/۵	۵۲/۳
۱۰	نقد اثر قبلی	۳۵/۱	۴۱/۳
۱۱	بیان نوشته دیگران به منظور تصحیح آن	۳۶/۲	۴۰/۴
۱۲	هشدار به پژوهشگران، نسبت به اثری که در شرف انتشار است (که آنان نیز به هنگام استفاده از این اثر، استناد بدهند)	۴۰/۳	۲۸/۵
۱۳	شناساندن اثری که برای اولین بار معرف مفهومی مبین نام عرضه‌کننده آن ایت (مانند بیماری‌ها جکینز، قانون پارتو، واکنش فریدل-کرافتس و ...)	۵۱/۹	۲۱/۹
۱۴	شناساندن آثاری که به‌طور نامناسبی نمایه‌سازی شده، توزیع شده یا به آنها استناد نشده است	۵۰	۲۱/۲
۱۵	انکار اثر یا عقاید دیگران (ادعاهای انکاری)	۸۱/۱	۱۱/۹

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، در ماده‌های ۱ تا ۹ درصد فراوانی دو گزینه «زیاد» و «خیلی زیاد» بیش از ۵۰ درصد است؛ بدین معنا که بیشتر از نیمی از پاسخگویان این موارد را در هنگام استناد در نوشته‌های خود و یا آموزش به دانشجویان خود در نظر دارند و این مسئله بیانگر اهمیت بالای این ماده‌ها از نظر اعضای هیأت علمی در هنگام استناد است. اگر چه در دیگر ماده‌ها درصد فراوانی دو گزینه آخر از ۵۰ درصد کمتر است، اما در مورد ماده‌های ۱۰ و ۱۱ درصد فراوانی دو گزینه «زیاد» و «خیلی زیاد» از دو گزینه «خیلی کم» و «کم» بیشتر است. این مسئله نشان می‌دهد اگرچه اهمیت این دو ماده به میزان ۹ ماده مذکور نیست، ولی برای بیشتر اعضای هیأت علمی، به میزان قابل توجهی حائز اهمیت بوده است. در ماده‌های ۱۲ تا ۱۵ درصد فراوانی دو گزینه «خیلی کم» و «کم» بیشتر از دو گزینه «زیاد» و «خیلی زیاد» و غیر از ماده شماره ۱۲ حتی بیشتر و یا

مساوی ۵۰ درصد است که بیانگر توجه اندک به این ماده‌ها در هنگام استناددهی است. برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش، از آزمون تی تست و آنوا استفاده شده است. برای تعیین رابطه جنسیت با دلایل استناددهی از آزمون تی تست استفاده شد.

جدول ۶. رابطه جنسیت اعضای هیأت علمی با دلایل استناد

سطح معنی‌داری دوطرفه	درجه آزادی	مقدار t	سطح معنی‌داری	آزمون f		
/۳۴۰	۴۹	-/۹۶۳	/۰۵۴	۴/۲۸۸	با فرض برابری واریانس‌ها	دلایل استناد
/۳۵۸	۳۴/۵۰۵	-/۹۳۲			با فرض نابرابری واریانس‌ها	

نتایج آزمون‌های آماری نشان داد که نمی‌توان تفاوت معنی‌داری به لحاظ آماری بین اساتید زن و مرد در دلایل استناد قائل شد.

و اما پرسش‌های بعدی و کشف رابطه معنی‌داری دلایل استناددهی با تفاوت دانشکده‌ها، مدارک علمی، مرتبه علمی، و سوابق آموزشی از آزمون آماری آنوا (ANOVA) استفاده شده است که نتایج زیر را نشان می‌دهند:

جدول ۷. رابطه دلایل استناددهی اعضای هیأت علمی با نوع دانشکده، مدارک تحصیلی و سوابق آموزشی

سطح معنیداری	مقدار f	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات		
۰/۰۱۰	۲	۱۲۳۲	۶	۷۳۹۵	بین‌گروهی	دانشکده‌های مختلف
		۴۳۱	۳۳۳	۱۴۳۸۰۳	درون‌گروهی	
			۳۳۹	۱۵۱۱۹۹	جمع	
۰/۳۶۹	۱/۰۰۱	۱۹/۶۹۵	۲	۳۹/۳۹۰	بین‌گروهی	مدارک تحصیلی متفاوت
		۱۹/۶۸۲	۲۸۳	۵۵۷۰/۰۵۴	درون‌گروهی	
			۲۸۵	۵۶۰۹/۴۴۴	جمع	
۰/۰۴۰	۲	۲۵۹	۶	۱۵۵۷	بین‌گروهی	سوابق آموزشی
		۱۱۶	۳۳۳	۳۸۷۳۳	درون‌گروهی	
				۲۲۱۷۲	جمع	

همان‌طور که ملاحظه می‌شود بین دانشکده‌های مختلف در دلایل استناد دادن تفاوت معنی‌داری وجود داشت و سطح معنی‌داری دیده شده کمتر از ۰/۰۵ است. به عبارت دیگر، در دانشکده‌های فنی و مهندسی ریاضی موارد اثبات ادعا و اعتبار بخشی به داده‌ها و قسمتی از واقعیت بیشتر مد نظر قرار گرفته بود؛ اما در دانشکده‌های کشاورزی و دامپزشکی و علوم انسانی ارائه منابع برای مطالعه بیشتر و روش‌شناسی و روایی ابزار بیشتر مورد توجه قرار گرفته بود.

بین مدارک تحصیلی و دلایل استناد دادن تفاوت معنی‌داری به لحاظ آماری در این تحقیق دیده نشد. همچنین آزمون آن‌ووا نشان داد که اساتیدی که سابقه آموزشی آنها کمتر از دیگر افراد بود (۱-۱۰ سال) تأکید بیشتری بر ارائه منابع اطلاعاتی بیشتر داشتند.

نکته قابل توجه در نظرهای ارائه‌شده، احساس دینی است که نسبت به متن اصلی در پژوهشگران وجود دارد. با وجود این احساس، می‌توان مطمئن بود به هر دلیلی که این گروه از پژوهشگران از یافته‌ها و دستاوردهای دیگران استفاده کنند، به آن استناد خواهند داد. توضیحات ارائه‌شده توسط برخی از پاسخگویان نیز تفاوت کاربرد استناد را در رشته‌های مختلف نشان می‌دهد، ولی در کل می‌توان چنین برداشت کرد که بیشتر نظرها بر اهمیت استناد تأکید دارد و دلایل متفاوت استفاده از آن را بر شمرده‌اند. برخی از آنها مفهوم ماده‌های "اثبات ادعاها" و "ذکر نام و تکریم پیشکسوتان" را دربرداشته و گروه دیگر دلایل عبارت بودند از: توصیف و تفهیم اصطلاحات، نشان دادن حجم کار انجام شده و اعتبار و اقتدار بخشیدن به پژوهش ذکر شده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به هدف پژوهش حاضر، یعنی تعیین دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان در مورد دلایل اسناد در تألیفات و گزارش‌های پژوهشی سیاهه واری با استفاده از مقاله گارفیلد (۱۹۹۶) در مورد زمان و دلایل استناد تهیه شد و در اختیار اعضای هیأت علمی فعال در حوزه پژوهش قرار گرفت. بیشتر پاسخگویان به این سیاهه واری، مرد (۶۷ درصد)، دارای مدرک دکتری (۸۵/۷ درصد)، مرتبه علمی استادیاری (۴۳/۷ درصد) و (۴۵ درصد) دارای سابقه آموزشی بین ۱۱-۲۱ سال بودند. ولی وجود اعضای هیأت علمی فعال در امر پژوهش که از لحاظ مرتبه علمی و سابقه آموزشی عامل‌هایی تأثیرگذار در امر پژوهش هستند. همچنان که در سیاهه تهیه‌شده از اعضای هیأت علمی هر دانشکده موارد بسیاری از افراد با مدارک، سابقه آموزشی و مرتبه علمی بالا دیده شد که از نظر فعالیت پژوهشی در سطح پایینی قرار داشتند. مشاهده مقدار میانگین مقاله‌ها و کتاب‌ها و در بعضی دانشکده‌ها پایین به نظر می‌رسد،

بنابراین شاید این‌طور استنباط شود که در رشته‌های عملی و کاربردی همچون مهندسی و علوم، بیشتر فعالیت‌ها به‌صورت آزمایشگاهی و پروژه‌های مختلف انجام می‌شود و اعضای هیأت علمی این دانشکده‌ها ضرورتی برای نوشتن احساس نمی‌کنند و یا وقت آن را ندارند. ولی کسب بالاترین میانگین (۴۲/۳۳) مقاله برای هر عضو هیأت علمی دانشکده علوم پایه این استنباط را نقض کرد و نشان داد که پژوهش و تألیف امری خودانگیخته است و مدارج و مدارک بالا، دلیلی برای پژوهشگر بودن نیست، بلکه این انگیزه و توان علمی افراد است که آنان را به تألیف ترغیب می‌نماید.

یافته‌ها نشان داد که "ارائه منابع اطلاعاتی بیشتر برای مطالعه"، "اثبات ادعاها"، "اعتباربخشی به داده‌ها و قسمتی از واقعیت - ثابت‌های فیزیکی و غیره" و "معرفی روش‌شناسی، روایی ابزار و غیره" به‌ترتیب از مهم‌ترین دلایل استناد در متون و تألیفات ارزیابی شدند، ولی "شناساندن انتشاراتی که برای اولین بار ایده یا مفهومی در آنها مورد بحث قرار گرفته است" با ۱۰ درصد در مرتبه بعدی قرار دارد. این موضوع در پژوهش "پشتوتنی‌زاده و کوبکی" نیز بررسی شده و نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که دلایل استناد در دو جامعه دانشگاهی شهید باهنر کرمان و شهید چمران اهواز در ارائه منابع اطلاعاتی بیشتر برای مطالعه بیشتر و معرفی روش‌شناسی مشترک بوده است.

مآخذ

- پریخ، مه‌ری؛ فتاحی، رحمت‌اله (۱۳۸۴). راهنمای نگارش مرورنوشتارها و پیشینه پژوهش در حوزه علوم انسانی و اجتماعی. تهران: کتابدار.
- پشتوتنی‌زاده، میترا؛ کوبکی، مرتضی (۱۳۸۸). بررسی رفتار استنادی اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید چمران. مجله کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۲ (۳)، ۶۵-۸۶.
- حری، عباس (۱۳۷۶). اهمیت و ضرورت به‌کارگیری منابع خارجی در پژوهش‌های کشور. فصلنامه کتاب، ۸ (۴)، ۷-۱۲.
- حقیقی، محمود (۱۳۸۱). کاربرد استناد در نگارش‌های علمی. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۳۲ (۲)، ۲۱۵-۲۳۲.
- دیانی، محمدحسین (۱۳۸۲). گلوگاه‌های پژوهش در علوم اجتماعی. مشهد: کتابخانه رایانه‌ای، ۱۳۸۲.
- سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین (۱۳۷۹). دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی: فارسی-انگلیسی و انگلیسی-فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.
- عصاره، فریده (۱۳۷۷). تحلیل استنادی. فصلنامه کتاب، ۹ (۳ و ۴)، ۳۴-۴۵.
- گارفیلد، یوجین (۱۳۷۶). چگونه استناد کنیم؟ ترجمه (عبدالحسین فرج پهلوی، مترجم). مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، ۳ (۲ و ۱)، ۱۲۷-۱۴۱.

- مهرداد، جعفر (۱۳۸۶). چرا ارزیابی؟ نظام استنادی علوم کشورهای اسلامی: بعدی تازه در نمایه‌سازی. سخنرانی در اولین همایش سراسری علم‌سنجی در علوم پزشکی، اصفهان، ۱۳۸۶/۱۲/۱۵.
- Garfield, E. (1996). When to Cite? *Library Quarterly*, 66 (1), 419-458.
- Harwood, N., & Petric, B. (2011). Performance in the citing behavior of two student writers. Retrieved Jan. 1 2012, from <http://wvx.sagepub.com/content/29>
- Ramos, M. A., & Melo, J. G. (2012). Citation behavior in popular scientific papers: What is behind obscure citations? The case of ethnobotany. *Scientometrics*, 92 (3), 711-719. Retrieved Jan. 1 2012, from <http://link.springer.com/article/10.1007%2Fs11192-012-0662-4>
- Sangwal, K. (2012). Application of progressive nucleation mechanism for the citation behavior of individual papers of different authors. *Scientometrics*, 92 (3), 643-655. Retrieved Jan. 1 2012, from <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC3416982/>
- Scharnhorst, A. & Thelwall, M. (2005). Citation and hyperlink networks. *Current Science*, 9 & 10, 1518-1524.

استناد به این مقاله:

- تاج‌الدینی، اورانوس؛ سادات موسوی، علی؛ و هاشمی نسب، فخرالسادات (۱۳۹۳). چرا پژوهشگران استناد می‌کنند؟: پیمایش نظرات اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان. *مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، ۲۵ (۳)، ۷۹-۹۱.